

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

راهنمای معلمان و مربیان در

قصه نویسی

ویژه دانش آموزان پایه چهارم

سازمان مدارس راه ایمان

تابستان ۱۴۰۴

سخنی با معلمان

قصه‌گویی و داستان‌نویسی راه موثری برای ارتباط بین افراد است. ما به قدرت داستان‌نویسی، برای توانمندسازی کودکان اعتقاد داریم و از طریق کلاس‌های داستان‌نویسی در مقاطع مختلف می‌خواهیم کودکان و نوجوانان را تشویق به نوشتن کنیم. از این طریق حس ارزشمندی و به طبع آن خودباوری در آنها تقویت می‌شود و کودکان می‌توانند آن‌گونه که می‌خواهند خود را ابراز کنند.

هدف ما از داستان‌نویسی، ترویج تفکر نقادانه و افزایش عزت نفس و اعتماد به نفس در بین کودکان است. این کلاس محیط امنی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا بتوانند خود را بیان کنند و راه‌های درست فکر کردن و درست تصمیم گرفتن را بیاموزند، به سادگی هر امری را باور نکنند و روش‌های مناسبی برای حل مشکلاتشان بیابند. شرایط امروزی زندگی ما به گونه‌ای است که می‌توان گفت تفکر نقادانه از پیش‌نیازهای رشد، موفقیت، رقابت و بقا محسوب می‌شود. برخی از کاربردهای تفکر نقادانه که در فرایند نوشتن نیز سودمند و موثر است، عبارتند از:

- چگونه سوالات بهتری بپرسیم و پاسخ‌های بهتری مطرح کنیم؟
- چگونه مستدل‌تر و عمیق‌تر فکر کنیم، حرف بزنیم و بنویسیم؟
- چگونه شباهت و تفاوت بین ایده‌ها و حرف‌ها و تحلیل‌های مختلف را ببینیم و ارزیابی کنیم؟
- چگونه مسائل و مشکلات را تعریف و تحلیل کنیم؟ (نوشتن می‌تواند راه خوبی باشد)
- در میان انبوه رسانه‌هایی که امروزه - تقریباً بدون استثناء - منافع و بقای خود را در اولویت قرار می‌دهند، چگونه می‌توانیم اطلاعاتی مفید و ارزشمند به دست بیاوریم؟
- چگونه دانسته‌ها و باورها و شناخت‌مان از جهان را پالایش کنیم و از تعصب و تنگ‌نظری و پیش‌داوری فاصله بگیریم؟
- چگونه شفاف‌تر فکر کنیم و حرف‌ها و نظرها و استدلال‌هایمان را به شیوه‌ای شفاف‌تر و متقاعدکننده‌تر به دیگران منتقل کنیم؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه از نگاه فردی دیگر و با چارچوب نگرشی متفاوت، به مسائل نگاه کنیم تا از این طریق، گفتگو و تعامل ما با دیگران ساده‌تر و سازنده‌تر باشد؟ (نوشتن و خصوصاً قصه‌نویسی می‌تواند راه مناسبی باشد)
- چگونه به دیگران کمک کنیم تا مسائل و مشکلات خود و محیط اطرافشان را بهتر و شفاف‌تر ببینند و درک کنند؟

به این ترتیب می‌توان گفت نوشتن راه خوب و موثری است برای اینکه به بچه‌ها فکر کردن و مهارت حل مسئله را بیاموزیم، توانایی‌هایی که به آموزش آنها در میان درس‌های مدرسه بی‌توجهی شده است.

معلم و والدین عزیز به یاد داشته باشید کودکان می‌توانند آزادانه تخیل و خلاقیت داشته باشند، تنها از طریق این دو عنصر است که به کشف خود و دنیای اطراف می‌رسند. یکی از بهترین راه‌های تقویت خلاقیت در کودکان داستان‌نویسی است. این آزادی در تخیل باعث تقویت ارتباط آنان با هم‌نسلان و نسل‌های گذشته می‌شود و به حفظ و گسترش فرهنگ آنها کمک می‌کند.

کلاس‌های ما فقط قصه‌گویی و داستان‌نویسی نیست. ما در این کلاس می‌خواهیم در مورد تقویت تعاملات اجتماعی، مهارت‌های حل مسئله، حفظ فرهنگ ایرانی اسلامی، خودباوری و اعتماد به نفس و ... گفتگو کنیم و آموزش دهیم. کودکان از طریق فعالیت‌های هنری مانند (داستان‌گویی، داستان‌نویسی، نقاشی، نمایش خلاق و ...) می‌توانند ایده‌ها و پیام‌های پیچیده‌ای را به

اشتراک بگذارند، پیامهایی که بدون این فعالیتها میسر نیست، و البته فراموش نمی کنیم که کلاسهای داستان نویسی برای کودکان و نوجوانان باید سرگرم کننده، جذاب و مفرح باشد.

معلم و والدین عزیز بیایید دست در دست هم دنیای کودکانمان را هر چه زیباتر، رنگارنگتر و غنی تر کنیم و با قدرت داستان نویسی به تقویت خصوصیات مثبت اخلاقی کودکان کمک کنیم، به این امید که آنها در آینده به فردی مفید و موثر در جامعه تبدیل شوند.

کلاس چهارم - جلسه پنجم

کوه داستان چهار مرحله‌ای

پس از تمرین کوه داستان سه مرحله‌ای، یک مرحله به آن می‌افزاییم و کوه داستان چهار مرحله‌ای را به بچه‌ها معرفی می‌کنیم. در واقع مرحله‌ی شروع و پایان همان است که گفته شد. بخش چهارم به میانه افزود می‌شود. چهار مرحله‌ی ما عبارتند از: شروع - میانه - در مسیر فرود - پایان.

شروع؛ ابتدای داستان است. جایی که شخصیت‌ها شناخته می‌شوند و وارد ماجرای جدیدی می‌شوند. (هانیه در روستای خوش آب و هوایی زندگی می‌کند و با یک خرگوش سخنگو آشنا می‌شود)

میانه؛ شخصیت وارد ماجرای جدیدی می‌شود. در میانه شخصیت با دوستان و دشمنانش آشنا شده و با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کند. (خرگوش می‌گوید که موجودات فضایی می‌خواهند جنگل را نابود کنند. هانیه با حیوانات دیگر دوست می‌شود و همراه با آن‌ها، با موجودات فضایی مواجه می‌شود. آن‌ها خیلی قوی هستند و به این راحتی شکست نمی‌خورند. تا این که راه حلی پیدا می‌کنند)

در مسیر فرود؛ جایی است که شخصیت اصلی از مشکلات اصلی خود گذشته و راه حل را پیدا کرده است. اما هنوز آن را انجام نداده، یا شرایطش پیش نیامده است. (هانیه به کمک دوستانش که حیوانات جنگل هستند، نقشه‌ای می‌کشد و همه چیز مهیا است تا نقشه را اجرا کنند.)

پایان؛ جایی است که گره‌گشایی شکل گرفته و شخصیت اصلی به هدف خود می‌رسد. (نقشه را اجرا می‌کنند و موجودات فضایی را فراری می‌دهند.)

ممکن است همه‌ی قصه‌ها دارای این چهار مرحله نباشند. اما داستانی که بر اساس این الگو پیش برود، داستان خوبی خواهد بود.

می‌توانید قصه‌ای را انتخاب کنید و این چهار مورد را در آن بررسی کنید. قصه‌ی اکثر انیمیشن‌های خارجی از این الگو پیروی می‌کند. برای تحلیل به بچه‌ها بگویید که ابتدا شروع و پایان را جدا کنند. میانه، بین این دو است. سپس آن بخش از میانه که شخصیت اصلی از بزرگ‌ترین مشکلش عبور می‌کند (نقطه‌ی اوج) در مسیر فرود قرار می‌گیرد.

تمرین:

۱/ از بچه‌ها بخواهید خاطره‌ای تعریف کنند که به نظر خودشان شبیه به یک قصه است. یکی از آن خاطره‌ها را انتخاب کنید و به کمک دانش آموزان، شروع، میانه و پایان را در آن پیدا کنید.

۲/ در صورتی که زمان کلاس اجازه می‌دهد، می‌توانید خاطرات بیشتری را با این فرمول تحلیل کنید.

نکته: اگر خاطره‌ی مناسبی از بچه‌ها برای این تمرین به دست نیامد، خاطره‌ی خودتان را تعریف کنید. اگر هم خاطره ندارید، خاطره سازی کنید.

برای مثال: روزی با دوستان مان به باغ رفته بودیم که از انتهای باغ صدایی شنیدیم. دیدیم یک چاله‌ی بزرگ انتهای باغ درست شده و یک نفر داخل آن افتاده است. وقتی بالای سرش رسیدیم دیدیم یک کیسه میوه در دست دارد. فهمیدیم نصف شب برای دزدی به باغ آمده بود و چاه را ندیده، در چاه افتاد. او همین طور که در چاه بود التماس می‌کرد که نجاتش بدهیم. خواستیم با طناب او را بالا بکشیم، طناب پاره شد. نردبان آوردیم، اما پوسیده بود و قابل استفاده نبود. بالاخره فکری به ذهن من رسید. چند سنگ بزرگ آوردیم و با احتیاط سنگ‌ها را داخل چاه انداختیم. مرد یکی یکی سنگ‌ها را زیر پایش گذاشت و بالا آمد. وقتی نجات پیدا کرد گفت حاضر است هر کاری ما بگوییم انجام بدهد. زیرا احساس می‌کرد خدا می‌خواسته به او عاقبت دزدی‌اش را بفهماند. ما او را بخشیدیم و با همان کیسه میوه راهی‌اش کردیم. او هم قول داد دیگر برای دزدی به باغ کسی نرود.

شروع

شروع خوب می‌تواند مخاطب را با خود همراه سازد. ممکن است یک داستان، خوب و جذاب باشد، اما شروع خوبی نداشته باشد و شما آن را تا آخر نخوانید. از بچه‌ها بخواهید فکر کنند و داستانی را به یاد بیاورند که شروعش را دوست داشتند.

شروع خوب شروعی است که توضیحات اضافه نداشته باشد. به حاشیه نرود و مخاطب را خسته نکند. شروع باید جالب باشد و توجه مخاطب را به خودش جلب کند تا اگر کسی چند خط اول قصه را خواند، نتواند آن را رها کند. شروع خوب می‌تواند در ادامه‌ی داستان هم تاثیرگذار باشد.

قصه‌ای را انتخاب کنید و شروع آن را برای بچه‌ها بخوانید. می‌توانید از قصه‌های کتاب فارسی و یا کتاب‌های کانون پرورش فکری کمک بگیرید. همچنین از قصه‌ی زیر نیز می‌توانید استفاده کنید:

«روزی روزگاری مسافری وارد روستایی شد. او در کیسه‌اش یک تبر داشت و یک قابلمه فلزی. مسافر با سر و صدای زیاد قابلمه را پر آب کرد و روی آتشی که با هیزم درست کرده بود گذاشت. سپس تبر را داخل قابلمه‌ی فلزی انداخت. مردم روستا توجه‌شان جلب شد و دور او جمع شدند.»

- از بچه‌ها بپرسید این شروع برای‌شان جذاب بود یا خیر؟
- آیا دوست دارند ادامه‌ی قصه را بشنوند؟
- اگر فکر می‌کنند شروع خوبی بوده، دلیلش چیست؟
- اگر فکر می‌کنند شروع بدی بوده به خاطر چه چیزی است؟ آیا پیشنهاد بهتری به ذهن‌شان می‌رسد؟
- به نظرشان در ادامه، قصه چگونه پیش خواهد رفت؟

سپس ادامه‌ی قصه را برای بچه‌ها تعریف کنید. دقت کنید که ادامه‌ی قصه را صرفاً به خاطر ارضای حس کنجکاوی که در آن‌ها به وجود آوردیم، می‌خوانیم. تمرکز اصلی ما روی شروع قصه است و سوالات بر اساس آن شکل می‌گیرد.

«مردم از مسافر پرسیدند: چه می‌کنی؟ مسافر گفت: آتش می‌پزم. مردم پرسیدند: خوشمزه‌ست؟ مسافر مقداری از آن را مزه کرد و گفت: کمی پیاز نیاز دارد. مردم رفتند و مقداری پیاز آوردند. مسافر پیاز را در آتش ریخت و باز مزه کرد و گفت: سیب زمینی هم می‌خواهد. مردم رفتند و سیب زمینی آوردند. مسافر سیب زمینی را در آتش ریخت و باز آتش را چشید و گفت: اگر لوبیا هم داشته باشد بهتر می‌شود. مردم باز رفتند و لوبیا آوردند. مسافر لوبیا را هم در آتش ریخت و باز کمی از آن را چشید. گفت: خوب است. اما اگر ادویه داشت خیلی بهتر می‌شد. مردم ادویه هم آوردند. خلاصه آتش خوشمزه‌ای درست شد. مسافر به هرکدام از آن‌ها یک کاسه آتش داد. مردم از مزه‌ی آتش خوششان آمد و از او خواستند تبر را به آن‌ها بفروشد. زیرا آتش را خیلی خوشمزه کرده بود. آن‌ها نمی‌دانستند که دلیل اصلی مزه‌ی آتش، موادی بوده که خودشان آورده‌اند. مسافر که به هدفش رسیده بود، تبر را به قیمت خیلی زیادی فروخت و راهی روستای دیگری شد. او پیش از ورود به روستای بعدی با قیمت خیلی کم یک بیلچه‌ی کوچک خرید تا این بار به جای آتش تبر، آتش بیلچه بپزد.»

تمرین:

جملاتی روی تخته بنویسید و از بچه‌ها بخواهید با توجه به آن‌ها شروعی برای یک قصه بنویسند. مثلاً؛

- سهراب با مدرسه به اردوی کوهنوردی رفت. اما آن‌جا اتفاقی افتاد.
- همه چیز زیر دریا خوب بود. تا این که یک روز، وقتی هشت پا کوچولو با دوستانش بازی می‌کرد، اتفاقی افتاد.
- پرنده‌ها در مسیر مهاجرت، در یک کلبه‌ی قدیمی توقف کردند. اما آن کلبه مانند تمام کلبه‌ها نبود. آن شب اتفاق عجیبی افتاد.

به دانش‌آموزان تان بگویید که با این شروع در جلسات بعدی کار دارند. به همین خاطر آن را با دقت و تمیز بنویسند تا در جلسات بعد، برای تبدیل آن به قصه‌ی کامل دچار مشکل نشوند.

حتماً خودتان نیز یکی از جمله‌های فوق را انتخاب کرده و شروعی برای آن بنویسید. زیرا ممکن است بچه‌ها در روند تکمیل ایده به داستان خیلی درست و دقیق پیش نروند. کار شما الگوی درستی برای آن‌ها خواهد بود.

مثال برای تمرین معلم: «هشت‌پا کوچولو همراه با پدر و مادرش در عمق یک دریا زندگی می‌کرد. او دوستان زیادی داشت و هرروز کنار کشتی غرق شده با آن‌ها بازی می‌کرد. ماهی کوچولو، بچه سفره ماهی و بچه لاک‌پشت بهترین دوستانش بودند. یک روز آن‌ها در حال بازی بودند که یک تور ماهی‌گیری آرام آرام پایین آمد. بچه‌ها با تور آشنا نبودند و برای اولین بار آن را می‌دیدند، به همین خاطر کنجکاو شدند و سمتش رفتند.»